



زن شوهرکش در گفت‌وگو با تپش

## برای بعد از قتل کلی برنامه داشتیم!

مجید غمخور

تپش



**این قدر برنامه مان حساب شده بود که تصمیم داشتیم چند ماه بعد از قتل، وقتی آب‌ها از آسیاب افتاد با هم ازدواج کنیم**



چه دهه و جب فرقی به حال آدم نمی‌کند.

چند سالت؟

۳۰ سال.

چقدر درس خوانده‌ای؟

تا دوم راهنمایی.

چرا ادامه ندادی؟

ازدواج کردم.

چرا این قدر زود؟

اجبار پدرم بود و همین ازدواج به زور باعث شد الان اینجا

باشم و شوهرم زیر خاک.

بچه هم داشتید؟

بله. دو تا.

الان کجا هستید؟

پیش خانواده شوهرم.

چرا شوهرت را کشتی؟

چون دوستش نداشتم.

خب طلاق می‌گرفتی؟

چند بار خواستم اما نشد. وقتی به دادگاه می‌رفتم، جلوی قاضی می‌گفت مرا دوست دارد و بعدش که به خانه می‌آمدیم در اتاق زندانی‌ام می‌کرد و کتکم می‌زد.

دلیل اختلافان چه بود؟

مرد شکاکی بود و به سایه خودش هم شك داشت. اصلا مرا درك نمی‌کرد و اجازه نداشتم تنهایی بیرون بروم.

پس چطور با همدست آشنا شدی؟

از طریق تلگرام.

اجازه می‌داد عضو تلگرام باشی؟

نه. خواهرم برایم يك گوشی و سیمکارت خریده بود تا در خانه حوصله‌ام سر نرود. در چند گروه و کانال عضو شده بودم. يك بار در گروهی بحث بود و من هم نظرم را دادم و همه با من مخالفت کردند. يك نفر با من موافق بود و از من طرفداری کرد. تا آن روز کسی از من حمایت نکرده بود. به همین خاطر ارتباطمان شکل گرفت.

چند وقت با هم ارتباط داشتید؟

نزدیک يك سال. این اواخر با هم بیرون هم می‌رفتم.

چه شد نقشه قتل را طراحی کردید؟

می‌خواستیم با هم ازدواج کنیم اما شوهرم سد راهمان بود. يك بار به شوهرم گفتم طلاق می‌خواهم که جوابش کتکی مفصل بود.

همانجا تصمیم به قتل شوهرم گرفتم. شب جنایت من در خانه را باز گذاشتم و پسر جوان با میله‌ای آهنی به داخل خانه آمد و ضربه‌ای به سر شوهرم زد.

شوهرم از خواب بیدار شد و می‌خواست همسایه‌ها را خبر کند که ضربه‌های بعد را محکم‌تر زد و شوهرم را کشت.

بعد از قتل چه کردید؟

پسر جوان جسد را میان پتو پیچید و بعد داخل صندوق عقب ماشین گذاشت و در بیابان‌های اطراف شهرها کرد. من هم خانه را تمیز کردم تا ردی از خون باقی نماند.

قرار بود دو روز بعد من بروم و ناپدید شدن شوهرم را گزارش کنم. این چند روز هم تماسی نداشتم تا کسی شك نکند.

فکر می‌کردی دستگیر شوید؟

نه. این قدر برنامه مان حساب شده بود که تصمیم داشتیم چند ماه بعد از قتل، وقتی آب‌ها از آسیاب افتاد با هم ازدواج کنیم. برای آینده کلی برنامه داشتیم.

در این مدت بچه‌هایت را دیده‌ای؟

يك بار. خانواده همسرم اجازه نمی‌دهند آنها را ببینم.

### نظرات خوانندگان

علی حسن بیگی از شیراز: تپش که ۱۶ صفحه‌ای نشد، لطفا تیراژ روزنامه را چهارشنبه‌ها بیشتر کنید تا تپش هشت صفحه‌ای به دست ما برسد.

مینا رسولی از تهران: مدتی است تپش فوق‌العاده جذاب شده است. امیدوارم همین جذابیت حفظ شود.

احسان گل‌محمدی: مدتی است به آسیب‌های فضای

مجازی به خصوص شبکه‌های مجازی کم توجه شده‌اید. به این فضا که آفت بزرگی در برخی خانواده‌هاست بیشتر توجه کنید.

مرتضی آقایی از تهران: با توجه به شروع گرما درباره خطرات غرق‌شدگی گزارشی چاپ کنید. متأسفانه هر روز شاهد خبر غرق‌شدگی در استخر و کانال‌های روستایی هستیم.

### آیا می‌دانستید:

در عقد موقت به زن نفقه تعلق نمی‌گیرد مگر آن‌که در زمان عقد این موضوع شرط شده باشد.

در صورت فوت پدر، حضانت طفل با مادر است مگر این‌که عدم صلاحیت او نزد قاضی دادگاه تایید شود.

اگر همسر فوت کند و دیه‌ای به او تعلق گیرد، زن می‌تواند مهریه خود را به عنوان دین ممتاز مطالبه کند و از دیه کسر شود.

در صورتی که پدر شوهر پرداخت مهریه را از طرف پسرش ضمانت کند، ضامن به پرداخت آن است.

ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آنها، همچنین بازرسی اشخاص و اشیا در جرایم غیرمشهود با اجازه مودی مقام قضایی است.

### عکس هفته

آتش‌سوزی در مرکز اسقاط خودروهای فرسوده در شرق تهران

